

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: اسکات ریتر*
برگردان: میرفخرانی
۰۶ نومبر ۲۰۲۲

یک بازی خطرناک، خونین و کثیف



سخنرانی اصلی ولادیمیر پوتین در هفته گذشته در باشگاه والدای، پس از انتشار ستراتیژی امنیت ملی دولت بایدن، نشان می دهد که خطوط مقدم چگونه تنظیم شده است.

به نظر می رسد سخنرانی کلیدی ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور روسیه در پنجشنبه گذشته در باشگاه والدای، روسیه را در مسیر برخورد با نظم بین المللی مبتنی بر قوانین به رهبری ایالات متحده (RBIO) قرار داده است.

دو هفته قبل از آن، دولت بایدن ستراتیژی امنیت ملی (NSS ۲۰۲۲) خود را منتشر کرد، دفاعی تمام عیار از RBIO که به "خودکامگان" که مشغول "اضافه کاری برای تضعیف دموکراسی هستند" اعلام جنگ می دهد.

این دو دیدگاه از نظم جهانی آینده، رقابت جهانی را تعریف می کنند که ماهیتی وجودی پیدا کرده است. به طور خلاصه، فقط یک برنده می تواند وجود داشته باشد.

با توجه به این که بازیگران اصلی این رقابت پنج قدرت هسته‌ای هستند، نحوه برخورد جهان با شکست طرف بازنده تا حد زیادی تعیین می کند که آیا بشریت در نسل بعدی زنده خواهد ماند یا خیر.

جو بایدن، رئیس جمهور ایالات متحده در مقدمه NSS ۲۰۲۲ نوشت: ما اکنون در سال های اولیه یک دهه محوری برای امریکا و جهان هستیم.

"شرایط رقابت ژئوپلیتیکی بین قدرت های بزرگ در حال شکل گرفتن است... دوران پس از جنگ سرد سرانجام به پایان رسید و رقابتی بین قدرت های بزرگ برای شکل دادن به آینده در جریان است."

بایدن گفت که کلید پیروزی در این رقابت رهبری امریکا است: "نیاز به نقش قوی و هدفمند امریکا در جهان هرگز بیشتر از این نبوده است".

NSA ۲۰۲۲ ماهیت این رقابت را بدون عبارات نامشخص توضیح داد. بایدن مدعی شد:

"دموکراسی‌ها و خودکامگی‌ها برای نشان دادن این که کدام نظام حکومتی می‌تواند به بهترین وجه از مردم و جهان مراقبت کند، رقابت می‌کنند."

اهداف امریکا در این رقابت مشخص است:

"ما خواهان یک نظم بین‌المللی آزاد، باز، مرفه و امن هستیم. ما نظمی می‌خواهیم که آزاد باشد زیرا به مردم اجازه می‌دهد از حقوق و آزادی‌های اساسی و جهانی خود بهره‌مند شوند."

"این سیستم باز است زیرا به همه کشورهای که این اصول را می‌پذیرند این فرصت را می‌دهد تا در قوانین شرکت کنند و به شکل‌دهی آنها کمک کنند."

بایدن گفت که نیروهای خودکامه به رهبری روسیه و جمهوری خلق چین (PRC) در مسیر دستیابی به این اهداف ایستاده‌اند. او توضیح داد: "روسیه، روسیه به دلیل بی‌توجهی بی‌رحمانه‌اش به قوانین اساسی نظم بین‌الملل، همانطور که جنگ تجاوزکارانه‌اش علیه اوکراین نشان داده است، تهدیدی فوری برای نظم بین‌المللی آزاد و باز است. از سوی دیگر، جمهوری خلق چین تنها رقیبی است که هم قصد دگرگونی نظم بین‌المللی را دارد و هم به طور فزاینده‌ای، قدرت اقتصادی، دیپلماتیک، نظامی و فناوری برای رسیدن به این هدف را دارد."

روسیه و چین

البته روسیه و چین از جهان بینی بایدن و به ویژه نقش او در آن آزرده خاطر می‌شوند.

این اعتراض قبلاً در ۴ فبروری زمانی که پوتین با رئیس جمهور چین شی جین پینگ در بیجینگ ملاقات کرد، مطرح شد، جایی که دو رهبر بیانیه مشترکی را منتشر کردند که به عنوان یک اعلان جنگ تمام عیار علیه RBIO عمل کرد.

"دو طرف [یعنی. روسیه و چین] قصد دارند در برابر تلاش‌ها برای استفاده از قالب‌ها و مکانیسم‌های پذیرفته‌شده عمومی منطبق با قوانین بین‌المللی مقاومت کنند [یعنی. نظم بین‌المللی مبتنی بر قانون (LBIO)]، با قوانینی که در جلوی دوربین توسط ملت‌ها یا بلوک‌های خاص ملل [یعنی RBIO]، و با حل غیرمستقیم و بدون اجماع مشکلات بین‌المللی، سیاست قدرت، ارباب، تحریم‌های یکجانبه و اعمال فراسرزمینی عدالت مخالفت می‌کنند."

روسیه و چین به دور از رویارویی، در بیانیه مشترک خود بر لزوم همکاری بین کشورها تأکید کردند:

"طرفین بر ضرورت تحکیم و نه تفرقه جامعه بین‌المللی، نیاز به همکاری و نه تقابل تأکید می‌کنند."

طرفین مخالف بازگشت روابط بین‌الملل به وضعیت تقابل بین قدرت‌های بزرگ هستند که در آن ضعیف‌ها طعمه قوی‌ها می‌شوند."

روسیه و چین بر این باورند که مشکلات پیش روی جهان از فشار اعمال شده توسط غرب جمعی به رهبری ایالات متحده ناشی می‌شود.

این نکته توسط پوتین در سخنرانی والدای مورد تأکید قرار گرفت.

پوتین گفت: "می‌توان گفت که غرب در سال‌های اخیر و به ویژه در ماه‌های اخیر گام‌هایی به سمت تشدید تنش برداشته است. به بیان دقیق، سیاست غرب همیشه به تشدید مشکلات و اختلافات متکی است که چیز جدیدی نیست. از جمله این رفتارها آغاز جنگ در اوکراین، تحریمات بر سر تایوان و بی‌ثباتی بازارهای جهانی غذا و انرژی است."

به گفته پوتین، برای جلوگیری از این سیاست تحریک آمیز نمی توان کاری انجام داد زیرا ریشه مشکل در ماهیت خود غرب است.

او گفت: "الگوی غربی جهانی شدن، که در هسته خود استعماری نو بود، بر استانداردهای، انحصار مالی و فناوری و ریشه کن کردن همه تفاوتها مبتنی بود."

تکلیف مشخص بود:

"تقویت سلطه بی قید و شرط غرب در اقتصاد و سیاست جهانی و برای این منظور منابع طبیعی و مالی، ظرفیت های فکری، انسانی و اقتصادی کل کره زمین تحت پوشش به اصطلاح جهانی جدید. وابستگی متقابل را در خدمت او قرار دهد."

برتری غرب

پوتین گفت: دیگر هیچ بحثی در مورد همکاری بین روسیه و غرب وجود ندارد، زیرا غرب تحت سلطه آمریکا از برتری ارزش ها و سیستم های خود خرسند است و دیگران را مستثنی می کند.

پوتین این انحصار را مسخره کرد. او گفت: "ایدئولوگها و سیاستمداران غربی سالهاست که به تمام دنیا می گویند: "هیچ جایگزینی برای دموکراسی وجود ندارد."

با این حال، شما در مورد مدل غربی و به اصطلاح لیبرال دموکراسی صحبت می کنید.

آنها همه انواع و اشکال دیگر دموکراسی را با تحقیر و - من می خواهم بر این موضوع تأکید کنم - با تکبر رد می کنند.

پوتین همچنین خاطر نشان کرد: در عین حال، تلاش غرب برای سلطه بر جهان، یا حفظ رهبری از طریق دیکته کردن او امر کشورهای غربی، منجر به افول اقتدار بین المللی رهبران جهان غرب از جمله ایالات متحده می شود.

راه حل، به گفته پوتین، رد انحصار مدل امریکائی RBIO است.

پوتین گفت: "وحدت بشریت بر اساس دستور "آنطور که من انجام می دهم" یا "مثل ما شو" نیست، بلکه با در نظر گرفتن و بر اساس نظر همه و احترام به هویت هر جامعه و ملتها شکل می گیرد."

"این اصلی است که بر اساس آن می توان تعامل بلندمدت در دنیای چند قطبی را بنا کرد."

مبارزه از ایده ها سرچشمه می گیرد.

جبهه ها به خطر افتاده است - از یک طرف یک قطبی تحت رهبری ایالات متحده، از طرف دیگر چند قطبی به رهبری روسیه و چین.

یک درگیری نظامی مستقیم بین طرفداران RBIO و طرفداران LBIO به معنای واقعی کلمه هسته ئی خواهد شد و همان دنیائی را که آنها برای کنترل آن رقابت می کنند ناپود می کند.

بنابراین، آرماگنون در آینده نبردی برای قدرت نظامی نخواهد بود، بلکه نبردی برای ایده ها خواهد بود - در مورد این که کدام طرف می تواند نظر بقیه جهان را به سمت خود جلب کند.

کلید تصمیم گیری برای برنده شدن در اینجا نهفته است RBIO - فعلی یا LBIO رو به رشد؟

به نظر می رسد که پاسخ واضح تر می شود - این LBIO با اختلاف زیادی است.

امریکا در حال افول است. مدل امریکائی دموکراسی در داخل کشور شکست خورده است و به همین دلیل نمی‌تواند به عنوان چیزی شایسته تقلید در صحنه جهانی به تصویر کشیده شود. RBIO. ترک خورده و در حال شکستن است. در همه جبهه‌ها، با سازمان‌هایی مواجه می‌شود که چشم‌انداز LBIO را می‌پذیرند. ناتو در حالی سقوط می‌کند که سازمان همکاری شانگهای گسترش می‌یابد. اتحادیه اروپا در حال فروپاشی است در حالی که دیدگاه روسیه و چین از اتحادیه اقتصادی فراوراسیا در حال رشد است. پوتین در والدای اعلام کرد: "قدرت بر جهان دقیقاً همان چیزی است که به اصطلاح غرب روی آن شرط بندی کرده است. اما این بازی مطمئناً یک بازی خطرناک، خونین و می‌توانم بگویم کثیف است"

نمی‌توان از تضاد پیش رو اجتناب کرد.

اما همان‌طور که پوتین اشاره کرد، با تعبیر انجیلی هوش ۸: ۷، "به قول معروف، هر که باد بکارد طوفان درو خواهد کرد."

بحران در واقع جهانی شده است. همه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. ما نیازی به توهم نداریم. بر اساس انجیل بخش متی ۲۴: ۶ را به این اضافه کنید: "و از جنگ و شایعه جنگ خواهید شنید. مراقب باشید نگران نباشید؛ زیرا همه اینها باید اتفاق بیفتند، اما پایان هنوز فرا نرسیده است." همه چیز اتفاق خواهد افتاد.

اما هنوز پایان کار فرا نرسیده است.

افول هژمونی امریکا در امور جهانی مستلزم رها شدن چهار سوار آخرالزمان در این سیاره نیست. امریکا لحظات خود را داشته است.

همانطور که پل سیمون در آهنگ کلاسیک امریکائی خود خواند:

"ما [امریکا] در نامشخص ترین ساعت عصر حاضر می‌شویم."

تاریخ هرگز قرن امریکائی را فراموش نخواهد کرد، زمانی که قدرت صنعت و مردم آن نه یک بار بلکه دو بار "در نامطمئن ترین ساعتش" به نجات جهان آمدند.

اما عصر برتری امریکا به پایان رسیده است، و زمان آن فرا رسیده است که به سوی آینده حرکت کنیم – عصر جدیدی از چندقطبی که در آن امریکا تنها یکی از چندین قطبی است.

ما البته می‌توانیم در مقابل این انتقال مقاومت کنیم.

در واقع، ۲۰۲۲NSS بایدن به معنای واقعی کلمه یک نقشه راه برای چنین مقاومتی است. همانطور که دیلن توماس شاعر نوشته است، می‌توانیم "آرام به شب به خیر برویم"، یا این که می‌توانیم "عجله کنیم، با سرعت در برابر مرگ نور مسابقه دهیم".

اما به چه قیمتی؟ پایان منحصر به فرد بودن امریکا لزوماً به معنای پایان امریکا نیست.

روای امریکائی، زمانی که نیاز به تسلط بر جهان برای حفظ آن از بین رفت، می‌تواند یک امکان قابل اجراء باشد. جایگزین تاریک است. اگر ایالات متحده تصمیم بگیرد در برابر جزر و مد تاریخ بایستد، وسوسه استفاده از سلاح

نهایی بقای وجودی – زرادخانه هسته ای امریکا – بسیار زیاد خواهد بود.

و هیچ کس زنده نخواهد ماند.

در نهایت، گرفتن این تصمیم در مورد "سوزاندن روستا برای نجات آن" بر عهده مردم امریکاست. ما می‌توانیم به پیمان انتحاری "دموکراسی در مقابل خودکامگی" که پایه اصلی در NSS ۲۰۲۲ است، وفادار بمانیم، یا این که اصرار داشته باشیم که رهبران ما از آنچه از رهبری و اقتدار امریکا باقی مانده استفاده کنند تا کره زمین را به یک مرحله جدید برسانند. مرحله ای که مشارکت در چندجانبه‌گرایی را می‌طلبد که در آن ملت امریکا به عنوان یکی در میان دیگر ملت‌ها با حقوقی برابر وجود دارد.

* - اسکات ریتر یک افسر اطلاعاتی سابق ایالات متحده است. او بازرس و عضو تفنگداران بحری که در اتحاد جماهیر شوروی سابق در اجرای معاهدات کنترل تسلیحات، در خلیج فارس در طول عملیات طوفان صحرا و در عراق برای نظارت بر خلع سلاح‌های کشتار جمعی خدمت می‌کردند. آخرین کتاب او خلع سلاح در زمان پرسترویکا است که توسط انتشارات کلیریتی منتشر شده است. اسکات ریتر: یک بازی خطرناک، خونین و کثیف